



مرحوم آیت اللہ العظمی
آقامیر سید علی یثربی کاشانی

(قدس سرہ)



ولادت و تحصیل

آن مرحوم در سال ۱۳۱۱ هجری در سامرا و در بیت علمی مرحوم آیت الله آقا سید محمدرضا بن سید اسماعیل بن عبدالرزاق یثربی کاشانی متولد شد، و بنا بر سنت اسلامی، مرحوم میرزای بزرگ شیرازی در گوش ایشان اذان و اقامه گفت و در سایه تربیت صحیح پدر رشد و نمو کرد و در سن ۵ سالگی یعنی به سال (۱۳۱۶ هـ. ق) همراه پدر وارد شهر کاشان شد و مقدمات و سطوح را در محضر پدر و سایر اساتید آموخت و در عنفوان جوانی درس سطوح را تمام کرده و به سال ۱۳۲۱ وارد حوزه نجف گردید و مجدداً سطح کفایه را نزد آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی به پایان رسانید و سپس از محضر اساتید بزرگ آن روز نجف، مرحوم آیت الله سید محمد کاظم یزدی (متوفای ۱۳۳۷)، مرحوم آیت الله شریعت اصفهانی (متوفای ۱۳۳۹)، مرحوم آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی (متوفای ۱۳۶۱)، مرحوم آیت الله حاج میرزا حسین نائینی (متوفای ۱۳۵۵) بهره‌های علمی فراوانی برد و در مدتی کوتاه در درس مرحوم آقا ضیاء عراقی مُشَارُ بِالْبُتَّانِ گردید و خود معظم له نیز، اکثر رشد و ترقی خود را مرهون تحقیقات مرحوم آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی در اصول و رهین تعلیمات مرحوم آیت الله یزدی در فقه می‌دانست.

بازگشت به ایران

در سال ۱۳۳۹ که مرحوم والدش ایشان را به کاشان طلبید، تصمیم گرفتند که به ایران مراجعت کنند، بدین جهت رحل سفر بسته و آماده حرکت شدند، مرحوم محقق عراقی و برخی دیگر از بزرگان نجف او را با اشک بدرقه و مشایعت کردند و معروف است که مرحوم آقا ضیاء به ایشان گفته بود، در میان تلامذه سیدنا الاستاد، مرحوم آقا سید محمد فشارکی یک میرزا سید علی یزدی لب خندقی بود که در موقع حرکتش استاد او را با اشک بدرقه کرد و از جدائی او سوخت و در میان شاگردان من نیز شما موقعیت خاصی داری و مرا با فراق و جدائی خود مبتلا به حسرت می‌نمائی.

در هر حال ایشان به ایران آمد و به شهر آباء و اجدادی خود یعنی کاشان رفت و با



یکی از بیهای معروف علمی آن روزگار یعنی خانواده مرحوم نراقی موصلت نمود و چندی نیز به تدریس و اقامه جماعت مشغول شد، در این زمان که مقارن با سال ۱۳۴۰ قمری بود مرحوم آیت الله العظمی حائری که به تازگی حوزه مقدسه قم را بنیانگذاری کرده بودند از پدر ایشان درخواست می کنند که این فرزند دانشمند خود را به حوزه قم اعزام دارند، و ایشان این تقاضا را می پذیرد و مرحوم یثربی در سال ۱۳۴۱ به قم هجرت می نمایند و ضمن شرکت در درس مرحوم آقای حائری، خود نیز حوزه مستقلی تشکیل داده و حدود هفت سال ضمن تدریس فقه و اصول، به تربیت طلاب و فضلاء پرداخته و شاگردان بزرگی را تربیت می نماید که از جمله آنان می توان از رهبر کبیر انقلاب امام خمینی - ادام الله بقا - و من کل مکروه وقاه -، مرحوم آیه الله آقا سید محمد یزدی معروف به داماد (متوفای ۱۳۸۸) و آیه الله آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی و آیت الله آقا شیخ هاشم آملی و مرحوم آیت الله سید کاظم اراکی گلپایگانی و مرحوم آیت الله صالحی کرمانی و مرحوم آیت الله حاج میرزا حسن یزدی و مرحوم حجة الاسلام والمسلمین میرسید محمد یثربی^۱ (اخوی خودشان) و مرحوم آیت الله شیخ جواد جفرودی و مرحوم آیت الله آقا منیر الدین محلاتی و مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم شیرازی ارسنجانی و مرحوم آیت الله آقای مجتهدی تبریزی و مرحوم آیت الله آقا علاء الدین کرمانشاهی و مرحوم آیت الله حاج میرزا حسن آقا طاهری اردبیلی و مرحوم آیت الله سید میرزا آقا ترابی و از شاگردان اخیر ایشان حضرت آیت الله العظمی منتظری و آیات و حجج اسلام شهید حاج شیخ مرتضی مطهری و همچنین اخوان مرعشی و حاج سید احمد پیشوائی و میرزا محمد ثاراللهی همدانی و مرحوم حاج شیخ محمدرضا طبسی و مرحوم حاج شیخ اسماعیل بهاری و عده دیگر را می توان نام برد.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اقامت دائم در کاشان

آن مرحوم تا سال ۱۳۴۷ قمری که مصادف با رحلت والد معظمش بود در حوزه قم بماند و پس از فوت پدر ناچار به ترک حوزه و بازگشت به کاشان شد و در آن جا اقامت گزید تا در سال ۱۲۶۵ هجری که به قصد زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها به قم

۱- که در دوران جوانی عمر خویش، به رحمت ایزدی پیوست.



آمده بودند، بنا به اصرار مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و دیگر علماء در قم مانده و حوزه درسی تشکیل دادند و لکن این ایام بیش از دو ماه بطول نانجامید و با ارتحال مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، درسهای حوزه ۴۰ روز تعطیل گردید و ایشان به قصد زیارت عتبات به عراق مشرف و پس از چندی با کمال احتیاجی که حوزه علمیه قم به وجود ایشان داشت و می بایست چون مشعلی در عالم مرجعیت تامه بدرخشد متأسفانه بعللی، دیگر بار به کاشان رفته و برای همیشه در آنجا ماندگار شدند.

در مدت سی سال و اندی که در این شهر اقامت داشتند، همچون گنجی مملو از علم و دانش و تقوا، موجب برکت و سرافرازی این شهر مذهبی و قدیمی بودند.

آثار علمی

معظم له معتقد بودند متأخرین از مرحوم شیخ انصاری خیلی چیز تازه ندارند بلکه بعضی از احتمالات شیخ را تقویت نموده اند، از این رو مانند مرحوم آیت الله میرزای شیرازی بزرگ از خود تألیف و تصنیفی که در حد علمیت معظم له باشد باقی نگذارند و جز جزواتی در اصول به خط شریفشان باقی نمانده است و همچنین حاشیه بر عروة الوثقی.

بیت آن مرحوم

- مرحوم آقای یثربی در دامان خاندانی چشم گشود و پرورش یافت، که همه عالمانی بودند آگاه و خود ساخته که از اعلام این بیت:
- ۱- علامه سید محمد تقی پشت مشهدی (م ۱۲۵۸م) و صاحب تنقیح الاصول) - مدفنش در پشت مشهد در مقبره جناب حبیب بن موسی می باشد.
 - ۲- علامه سید اسماعیل جد مرحوم آقای یثربی که از شاگردان شیخ اعظم انصاری و برادرزاده مرحوم علامه حاج سید محمد تقی بودند.
 - ۳- پدر مرحوم آقای یثربی علامه سید محمدرضا از شاگردان مرحوم آیت الله سید محمد فشارکی و سید مجدد شیرازی در سامراء بوده و در سال ۱۳۴۷ وفات کرده است.
 - ۴- مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سید ابوالحسن که در سال ۱۳۸۶ هـ. ق وفات کرد.



و از علمای معاصر این بیت:

۵- حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید مهدی یثربی نماینده امام و امام جمعه محترم کاشان و نماینده مردم استان اصفهان در مجلس خبرگان، برادر آن مرحوم هستند و دروس سطوح را از محضر برادر دانشمند خود تلمذ کرده اند.

۶- مرحوم علامه حجة الاسلام و المسلمین میرسید محمد برادر آقای یثربی که از شاگردان برادر خود و مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری محسوب می شدند.

۷- حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمد ابطحی کاشانی سبط مرحوم آیت الله حاج سید محمدرضا یثربی از اساتید و اعضاء محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۸- حضرت حجة الاسلام میرسید محمد یثربی کاشانی، فرزند حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج سید مهدی کاشانی از فضیلات حوزه علمیه قم.

وضع سیاسی، اجتماعی این خانواده

بین مرحوم آیت الله آقا سید محمدرضا و مرحوم آیت الله شهید آقای حاج شیخ فضل الله نوری (قدس روحهما) آشنائی و علاقه و همفکری کاملی در مسائل سیاسی روز وجود داشت و بین آنها نامه هارو بدیل می شد از جمله در رابطه با پیش بینی های مرحوم آیت الله نوری (ره) درباره نفوذ فرهنگ غربیها به خصوص انگلیس در ایران از جمله اتحاد شکل و کشف حجاب - که سالها قبل از وقوع آنها وسیله مرحوم آیت الله سید محمد رضا برای مردم کاشان بیان شده بود - بعد از شهادت مرحوم علامه آقا شیخ فضل الله نوری معظم له نامه ها را قرائت نموده و اشک می ریختند.

نکته قابل توجه برای طلاب محترم

مرحوم یثربی می فرمودند وقتی خبر شهادت مرحوم شیخ به پدرم رسید بسیار متقلب و گریان شدند من در آن وقت کتاب شرح لمعه می خواندم، به پدرم گفتم دیگر تحصیل علوم دینی در این کشور چه فایده دارد؟ فرمودند تو مشغول درس خودت باش بالأخره اسلام به ملا احتیاج دارد و مقدر بود که همین فرزند، روزگاری به مدت هفت سال در حوزه علمیه قم بعد از حوزه درس مرحوم آیت الله حائری بزرگترین حوزه درس را کتاً و کیفاً اداره نموده حتی رهبر



عظیم الشان انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی از آن حوزه بهره مند گردد. مرحوم یثربی به حيله گری غریبه‌ها مخصوصاً انگلیس آگاه بودند و بسیاری از رویدادها را به دستگاههای استعماری نسبت می دادند، و نظرشان در مورد محمدرضا پهلوی دیکتاتور مقبور ایران در اوائل سلطنتش — که مردم فریب این مارخوش خط و خال را خورده بودند — این بود که می فرمود: این از پدرش بدتر است زیرا پدرش بی سواد بود و این در اروپا درس خوانده است.

و مرحوم آیت الله آقا سید محمدرضا بعد از حادثه تحریم تنباکو و مرگ ناصرالدین شاه به سال ۱۳۱۶ هجری قمری به کاشان وارد و مورد استقبال عام و خاص قرار گرفت، اما به علت ضعف حکومت، توطئه استعمار، اختلافات داخلی، تنازع بین قدرتهای مذهبی و غیرمذهبی، ظهور یاغی‌ها از جمله نایب حسین کاشی و فرزندانش که در همسایگی ایشان زندگی می کردند، زندگی پر تلاطمی را می گذرانید، در عین حال مرجع مراجعات عامه مردم شهرستان از جمله در امر قضاوت بود.

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمود نجفی رحمة الله علیه می فرمودند در طول مدت قضاوت ایشان یک حکم ناسخ از دستگاه او صادر نگردید، این خود دلیلی محکم بر دقت او در امر قضاوت بود.

و مرحوم آیت الله آقا میرسید علی یثربی (ره) که در سال ۱۳۴۷ قمری بعد از فوت پدر به کاشان وارد شد با زمان خفقان و اوج گرفتن قدرت رضا خان دیکتاتور و طغیان و تعدی او نسبت به دین اسلام و روحانیون و کشف حجاب و تعطیلی مدارس علمیه و مجالس مذهبی مواجه شده و در خانه منزوی گردید، معذالک رابطه دوستی و صداقت وی با مردم محفوظ بود. از مزایای اخلاقی این پدر و پسر، این بود که در تقلید نوعاً مردم را به مرجع عام شیعه در هر عصر و زمان ارجاع می دادند و مرحوم یثربی می فرمود: در هر عصری یک رساله عملیه برای مردم آن عصر کافی است با اینکه خود در عداد مراجع بزرگ تقلید بحساب می آمدند.

تصفیه حوزه‌های علمیه

نظر معظم له این بود که باید برای حوزه‌های علمیه شیعه مخصوصاً حوزه علمیه قم نظام و قاعده مقرر نمود، آن روز می فرمودند: آیت الله بروجردی باید از قدرت خود برای تصفیه



حوزه علمیه قم استفاده کرده و طلاب را به سه گروه تقسیم نماید: یک قسم: را که ذوق تحصیل فقه دارند از لحاظ بودجه کاملاً تأمین نموده و نگذارند به تبلیغ و سخنرانی بروند تا به مقام اجتهاد برسند.

قسم دوم که فقط ذوق منبر و خطابه دارند در این مسیر با برنامه ریزی مناسب پرورش بدهند حتی زبان خارجی به آنان تعلیم نمایند که بتوانند اسلام را در خارج کشور هم تبلیغ نمایند.

قسم سوم که عبارت اند از آقایان علماء و روحانیونی که دیگر ترقی نمی کنند، تعدادی از آنان که لیاقت تدریس دارند بکار تدریس در حوزه بگمارند و بقیه را به شهرها و بخش ها و روستاها جهت اداره آن محل ها اعزام دارند که بدین وسیله رفع خلاء روحانی نیز بشود.

مقام علمی او

موقعیت علمی ممتاز ایشان از دست پروردگان و تألیفات بجای مانده از معظم له و مباحثاتی که با اساتید خود و علمای بزرگ حوزه قم و مشهد داشته اند، آشکار می گردد. یکی از شاگردان معظم له نقل کردند که شب حرکت آقای یثربی استادش مرحوم آقا ضیاء عراقی وی را به منزل دعوت کرد، در منزل بحث ترتیب به میان آمد و یکی دو ساعت، بحث به طول انجامید، غذا آوردند سرد شد و همچنان مرحوم یثربی مشغول مباحثه بود تا بحث به آخر رسید، در پایان بحث استادش به وی گفت: آفرین خیلی زحمت کشیده ای و خوب ملا شده ای.

ایشان در درس استاد خود همچون ستاره ای می درخشید و بعد از درس استاد، برای بعضی از شاگردان، بحث استاد را تقریر می کرد، از جمله برای مرحوم آیت الله حکیم - به لحاظ اینکه استاد درس را فارسی بیان می کرد و مرحوم آقای حکیم به زبان فارسی مسلط نبودند و برخی از نکات برایش مجهول می ماند و لذا از استاد می خواهند که فردی را معین کند تا درس را تقریر نماید، و استاد ایشان را معرفی می کند - و آیت الله حکیم آن قدر از بیان ایشان خوشش می آمده که گاهی می گفت: **إِنَّ مِنَ الْبَيَّانِ لَيْسُ خَرَأً.**

مرحوم آیت الله بروجردی بقاء بر تقلید میّت را جایز نمی دانستند و مرحوم آقای یثربی با دو جلسه مباحثه، ایشان را قانع کرده و معظم له فتوی به جواز دادند.



ستایش علماء و دانشمندان از ایشان

الف - مرحوم آیت الله یثربی و مرحوم آیت الله سید محمد تقی خوانساری و مرحوم آیت الله سید احمد خوانساری هر سه از شاگردان مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی بوده‌اند، و مرحوم آقا سید محمد تقی خوانساری از نظر ذکاء و مرحوم آقا سید احمد خوانساری از نظر تلاش و پربکاری و کثرت مطالعه در بین سه نفر معروف بودند و مرحوم یثربی از جهت حد ذکاء و پربکاری حد وسط بین آن دو بزرگوار راداشتند، مرحوم محقق عراقی روزی فرموده بودند اگر از من پرسند که کدامیک از این سه شاخص ترند، من اگر با آقای یثربی خوب باشم می‌توانم جواب دهم که کارش از آقا سید محمد تقی و ذکاوتش از آقا سید احمد بیشتر است، و اگر با او بد باشم خواهم گفت: کارش کمتر از آقا سید احمد و ذکاوتش کمتر از آقا سید محمد تقی است. یکی از شاگردان مرحوم یثربی نقل می‌کرد که مرحوم آقا ضیاء عراقی به آقای یثربی می‌فرمود: تو برای من به منزله مالک اشتر برای علی علیه السلام هستی.

ب - مرحوم آقای بروجردی پس از بحثی که با آقای یثربی داشت توسط حضرت امام خمینی برای آقای یثربی پیام می‌فرستد و می‌گوید: من شما را اصولی مبرز می‌دانستم و نمی‌دانستم که فقیه بلند پایه‌ای هم هستید و از من خواسته بودند که از آقا شیخ کاظم شیرازی دعوت کنم که در قم بمانند و من گفتم میهمان که میهمان را دعوت نمی‌کند، اما از شما می‌خواهم که در قم بمانید چون افرادی مثل شما حیف است که در کاشان بمانند.

ج - آقای آقا شیخ جواد حائری در شأن آن جناب گوید:

کم من نجوم سماء العلم مشرقه	انوارها فی نواحی الارض للامم
و هم ادلاء مرضات الاله لنا	فی غیبة الحجة المنصور ذی الکریم
طوبی لمن کان فی هذا الزمان لهم	متابعاً فی خصال الخیر و الشیم
و منهم العلم الفهم ذو شرف	من قد بدا شأنه للکل بالعظم
الیثربی الذی قد فاق مرتبة	آمیرزا سید علی العالی بالهمم
کم من سوابق حسن منه قد ظهرت	فی حوزة الغرب بالعلم من فهم
اختار فی هذه الایام مسکنه	من ارض کاشان تحقیر المنعدم
کانه اختاره ترکاً لمنقصة	ما ربما تعتری للضیغم الفخم



ولست مستشكلاً في فعله ابداً لعل وجهاله من احسن الحكم
يا حائري اسئل المنان مكرمة لكن تفوز بها العلياً مع العظم^۱
د- آية الله مرعشي نجفی که از تلامذه ایشان بوده اند در حق ایشان گفتند:

لسان حقیر الکن است از جلالت ایشان و تقوی و دیانتش، بقدری این مرد محکم بود
در دیانت و بقدری با تقوی و پرهیزگار و وارسته، بی آیش، اصلاً و ابداً به خود نمی گرفت که
من کسی هستم مثل یک طلبه عادی رفتارش بود، چه در این حوزه چه در بعد از انتقالشان به
کاشان.^۲

هم یکی از دانشمندان^۳ می گوید اگر از این ناچیز سؤال از حضرتش شود، شعر
ابی المعری را که در مدح سید مرتضی گفته خواهم گفت:

یا سائلاً عنه لما جئت تسأله الا هو الرجل العاری من العار
لوجئته لرأیت الناس فی رجل و الدهر فی ساعة و الارض فی دار^۴

برجستگیهای اخلاقی

ساده زیستن و فرار از تعینات

آن مرحوم با اینکه از مجتهدین طراز اول و از اعلام حوزه های علمی و دینی بشمار
می آمدند و بدین جهت فضلا و دانشمندان بسیاری به دیدارشان می شتافتند اما غالباً او را با خادم
منزل اشتباه می گرفتند زیرا ایشان با یک شب کلاه و قیای ساده مراجعین را می پذیرفتند و با
این روحیه بود که به طلاب و دانشمندان مجال و جرئت بحث می دادند و با مردم عادی نیز به
منزله پدری مهربان بودند و به حدی مردمی زندگی می کردند که ارباب رجوع بدون هیچ حاجب

۱- آثار الحجة ج ۲/۲

۲- نقل از جزوه شرحی از زندگانی سید العلماء والمجتهدین ... مرحوم آیت الله العظمی یربلی.

۳- آثار الحجة ج ۱ ص ۲۱۰

۴- ترجمه: ای سؤال کننده (از احوالات سید مرتضی) آگاه باش که من چون به خدمتش رسیدم که از وی
سئالاتی بنمایم او را یافتم، مردی که از انواع عار و ننگ و قذارات مبری و پاکیزه بود، اگر توبه نزد وی، بروی، حتماً
خواهی دید که تمامی انسانها در یک فرد گرد آمده و تمام روزگار در یک ساعت و تمامی بساط زمین در یک خانه جمع شده
است. (الکنی و الالقاب طبع صیدا ج ۳)



و مانع برای رفع مشکلات حتی مشکلات خانوادگی خویش به ایشان مراجعه می نمودند و بالاتر از اینها چه بسا توقع نوشتن دعا از ایشان و یا خواندن اذان بگوش نوزادان خود را داشتند. و معظم له همه را با حسن خلق و سعه صدر پذیرا بودند.

صراحت لهجه

از خصوصیات اخلاقی ایشان که از سادگی و بی آرایش بودنشان سرچشمه می گرفت، صراحت لهجه معظم له بود که حقایق را بی پرده می گفتند و هیچگاه پیرامون «دروغ» و «ریا» و «توریه» نمی گشتند و همیشه نسبت به این نوع صفات حساسیت داشتند.

سخاوت در عین ناداری

با اینکه بیت مرحوم آیت الله یثربی قرنهای در مسند زعامت بودند مع الوصف پدرشان به غیر از تعدادی کتاب و یک خانه خشتی و گلی و تعدادی فرزند و از جمله چند صغیر چیزی باقی نگذاشت.

استاد، سید محمد ابطحی کاشانی نقل کردند: مرحوم آقای یثربی روزی به من می فرمودند از بس قرض کرده بودم دیگر از قرض دهنده خجالت می کشیدم مع الوصف هر چه به دستشان می رسید بین مستحقین تقسیم می نمودند.

روزی مسگری با دستهای پینه بسته مقدای از وجوهات تقدیم ایشان نمود. تا نظر ایشان به دست او افتاد خواستند بعد از قبول نمودن وجوهات، پول را به او ببخشند، مسگر گفت: می خواهم دین خود را پردازم و بخشش را قبول نکرد و رفت آقا در فکر فرو رفتند و به همت او تحسین نموده و فرمودند این پول را به هر کسی نمی شود داد، بالاخره سید کارگر عاقله مندی را برای مصرف آن انتخاب نمودند.

علو طبع و اباء نفس و دوری از ظلم

یکی از صفات بارز و آشکار مرحوم یثربی اباء طبع و استقلال فکری ایشان بود، این روحیه از ابتداء تحصیل تا آخر عمر در معظم له مشهود بود و شاید یکی از علل برکنار ماندن آن مرحوم همین خاصیت اخلاقی بوده است.

به عنوان شاهد به گفتار استاد سید محمد ابطحی استناد می کنیم که فرمود:



در اوائل سلطنت رضاخان برای تدوین مقررات عدلیه تعدادی از فضلاء و علماء جذب دستگاه طاغوت شدند، از جمله عالم معروف آقای شیخ یزدی که شوهر خاله مرحوم یثربی بود.

مرحوم آقای یثربی به من می فرمودند: شیخ حسین یزدی به من خیلی اصرار می نمود که با حقوقی سنگین در این امور با او همکاری نمایم که پاسخ دادم من زیرا بار کفر نمی روم. و همین شیخ حسین در زمانی که بنا بود محمدرضا پهلوی به کاشان بیاید، تلاش می کرد تا آقا قبول کنند که ملاقاتی با شاه داشته باشند، ولی ایشان قبول نکردند و وی را با عصبانیت طرد نمودند و می گفتند من با او کاری ندارم.

تقید به انجام وظائف دینی

تقید آن مرحوم به انجام وظیفه دینی در حدی بود که تعینات ظاهری هیچگاه مانع او نمی شد. استاد سید محمد ابطحی کاشانی گفتند: پس از آنکه خفقان رضاخانی تا حدودی فروکش کرد و دربهای مساجد به روی مردم باز شد، پس از سالها که مردم از شنیدن احکام دینی محروم بودند و بسیاری از احکام به فراموشی سپرده شده بود، معظم له با آن مقام علمی ای که داشت شبها بعد از نماز مغرب و عشاء به منبر تشریف می برد و درست مانند یک مسأله گوی عادی از باب «تقلید» رساله به مسأله گفتن پرداخت و مدتها این جریان ادامه داشت و معمولاً فتوای خویش را اظهار نمی کردند و به عنوان اینکه مشهور چنین می گویند و یا مرحوم سید (مرحوم سید محمد کاظم یزدی، صاحب عروة الوثقی) چه می فرماید، مطلب را بیان می نمودند.

عشق و اخلاص به اهل بیت علیهم السلام

حضرت آقای حاج سید مهدی یثربی برادر معظم له فرمودند:

مرحوم آیت الله آقا سید محمدرضا پدر آقای یثربی از معاصران و دوستان آیت الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری قدس سره بود که مکرر مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ مرتضی حائری (ره) به این جانب می فرمودند دوستی ما با شما موروثی است، مرحوم آیت الله العظمی شیرازی (قدس سره) که به مصالحی حوزه علمیه را به سامرا منتقل نمودند



سعی بلیغی در اقامه سنن تشیع در آن روزه مقدسه داشتند به خصوص مقید بودند مراسم عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام در انظار مردم آن محل معمول گردد از این رو در لیالی و ایام تاسوعا و عاشورا اساتید و طلاب حوزه سامرا و شیعیان مقیم در آنجا طبق معمول در بلاد شیمه دسته عزاداری به راه می انداختند. نقل می شود که مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (ره) در نقش مرثیه خوانی و نوحه خوانی و مرحوم آقای سید محمدرضا یثربی کاشانی در نقش یک روزه خوان اظهار اخلاص می نمودند خوشبختانه مرحوم آقا سید محمدرضا در مدت سی سال و اندی در کاشان در ماههای رمضان و محرم در مسجد خود بعد از موعظه و بیان مسائل حلال و حرام به مانند یک روزه خوان فنی به ذکر مصیبت می پرداختند به خصوص روز تاسوعا و عاشورا در خاتمه مجلس شخصاً به منبر رفته و مقتل عاشورا را با لحن عربی و مبکی و تکیه به صوت می خواندند و در ذکر مصیبات طاقت فرسا بی طاقت شده، سر برهنه نموده و با دو دست به سر می زدند.

مرحوم آیت الله آقامیرسیدعلی یثربی رحمه الله علیه تا آخر عمر شریف خود، همین سنت حسنه را از پدر مرحوم خود پیروی می نمودند. فراموش نمی کنم در یکی از سالها، مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید مصطفی قمی واعظ جهت منبر به کاشان دعوت شده بودند اتفاقاً پای منبر مرحوم آقای یثربی نشسته بودند از اینکه یک فقیهی در حد مرجعیت این چنین مجلس سوگواری را اداره نماید تعجب می کردند.

استنتاج

شما اگر وضع عزاداری کاشان را به نوعی استثنائی و چشم گیر می بینید بعید نیست قسمتی از آن مرهون عمل این چنین علماء با اخلاص و وارد در صحنه باشد.

بی مناسبت نیست خاطره ای از صداقت و دوستی مرحوم آقای حائری و مرحوم آقا سید محمدرضا را در قضیه ای که جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج سید مهدی یثربی از مرحوم یثربی شنیده است نقل کنیم:

مرحوم یثربی می گفتند از پدرم شنیدم که مرحوم فقیه و ناصح معروف زمان مرحوم آیت الله آقا شیخ جعفر شوشتری (قدس سره) در گفتار و بیان نافذ بوده و مستمعین خود، به ویژه اهل علم را زیاد به گریه می انداختند، روزی بین من و مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم این مسئله



مطرح شد و قرار گذاشتیم به عنوان امتحان پای منبر ایشان بنشینیم و تعهد داشته باشیم که در موعظه ایشان از گریه خودداری نمائیم، مجلس در کربلا بود هر دو پای منبر نشستیم و خود را به استعمال دخانیات مشغول کردیم شیخ مرحوم شروع به صحبت کردند و این آیه را طلسمه منبر قرار دادند:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم ربنا انك جامع الناس ليوم لا يخلف الميعاد (سوره آل عمران آیه ۹) در این لحظه من نگاه به صورت مرحوم حاج شیخ نمودم دیدم اشک از چشمانش جاری و آن مرحوم نیز به صورت من نگاه کرد دید دیدگانم اشکبار است. خوشا به حال جامعه ای که این چنین خطباء عالم و نافذ و عامل به گفته های خویش، داشته باشد و این چنین مستمعین بیدار و زنده دل پیروانند.

وفات و مدفن

ایشان به سال ۱۳۷۹ هجری - پنجم رجب - در کاشان از دنیا رخت به عقبی کشیده و فقدانش دنیای علم را سوگوار ساخت و جهان اسلام و انسانیت را در هاله غم گرفت و مادر ایام را داغدار ساخت.

لیک اندر مرگ مردان بزرگ عالمی گیرید برای عالمی
لاجرم در مرگ مردانی چنین گفت بایید ای دریغا عالمی
و پیکر این مرد بزرگ با نهایت تجلیل در کاشان - پشت مشهد، از محلات کاشان -
به خاک سپرده شد.*

* مدارک مقاله:

- ۱- آثار الحجه ج ۲/۲۳ - ۲۰
- ۲- گنجینه دانشمندان ج اول/ ۲۶۱ و ج ۶ ص ۲۷۷ تا ۲۸۳ و نیز ص ۲۴۹
- ۳- اختران تابناک ج ۱/ ۳۵۷ - ۳۵۶
- ۴- علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی/ ۴۱۷
- ۵- نقباء البشر/ ۱۴۳۲
- ۶- مجله پیام انقلاب شماره ۱۲۸ و شماره ۱۳۰ سال ۱۳۶۳
- ۷- شرحی از زندگانی سید العلماء والمجتهدین فقیه عظیم الشان استاد محقق عالی مقام ... یشری از دفتر تبلیغات حوزه علمیه مرحوم آیت الله یشری.
- ۸- اظهارات بعضی از تلامیذ و بستگان مرحوم یشری.